

کونز

فصلنامه قرآن

نقش تربیتی سلام در قرآن و روایات

کارشناس ارشد علوم قرآنی
فاطمه نیگ

چکیده:

تفسیری و روایی و همچنین منابع وزین دیگر اهمیت و جایگاه سلام در قرآن و روایات و نقش تربیتی آن مطرح گردیده است.

سلام یکی از واژه‌هایی است که به علت وجود آن در ۲۴ آیه از قرآن و در روایات و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) قداست ویژه‌ای یافته است و یکی از سنت‌های دین مبین اسلام قرار گرفته است. سلام نشانه‌ی سلامت و مهربانی و عطف است و مرزهای جغرافیایی و زبان و نژادهای مختلف با الوان و گویش‌ها را در هم می‌نورد و پیوندی عمیق و زیبا بر جای می‌گذارد. از آیات قرآن مشخص می‌شود که سلام در آیین و مذاهب دیگر نیز وجود داشته است و چون این عمل پسندیده و نیکو بوده است در زمان رسول الله (ص) تقویت و امضاء شده است.

کلید واژه:

سلام در قرآن و روایات، سلام ملکوتیان، نقش تربیتی سلام در اسلام و ادیان

مقدمه:

سلام، در لغت به معانی گوناگون آمده است، یکی از معانی تحیت است و یکی از اسماء الله سلام است زیرا سلام یعنی امنیت از هر گونه نقص و عیب و فناست و به معنای درود گفتن هم می‌باشد. سلام کردن از اموری نیست که بعد از ظهور اسلام وضع شده باشد، بلکه نمونه‌های آن در میان اقوام و ملل گذشته سابقه دارد که این مسئله، در آیات قرآن به خوبی مشخص است.

باشد تا ما نیز از این واژه‌ی زیبا و پر معنا و این سنت حسنه در جای خود استفاده کنیم و فرهنگ آن را بیش از پیش در بین مردم بخصوص نسل جوان جاری سازیم و همچون پیامبر اعظم (ص) در این امر واجب و مهم نسبت به کوچک تا بزرگ پیش قدم باشیم تا بتوانیم دیگران را تشویق به سلام کردن کنیم و بر نقش تربیتی سلام تأکید نمائیم. با توجه به اینکه امروزه واژه (سلام) جای خود را به کلمات دیگر و متأسفانه در بعضی موارد کلمات وارداتی داده است. لازم است عظمت این کلمه‌ی پر معنا و جایگاه‌های آن در قرآن و احادیث معصومین (سلام) الله علیهم مشخص شود. در این مقاله با استفاده از کتب

دین اسلام در بسیاری موارد عادات پسندیده‌ی مرسوم در میان امت‌های پیش از خود را امضاء نموده است و با اصلاحات و تغییرات، به آن سنن و آداب کمال بخشیده است و مواردی که کاستیهایی در آنها وجود داشته است را چیران نموده است. سنت پسندیده سلام و تحیت هنگام دیدار، ورود به خانه و آغاز تکلم، نیز از مواردی است که دین اسلام آن را تأیید نموده و

دستورات خاصی نیز برای آن داده است.

■ سلام یک تحیت بزرگ اسلامی:

تا آنجا که می‌دانیم تمام اقوام جهان هنگامی که بهم می‌رسند برای اظهار محبت به یکدیگر نوعی تحیت دارند که گاهی جنبه لفظی دارد و گاهی به صورت عملی است که رمز تحیت می‌باشد، در اسلام نیز سلام، یکی از روشترین تحیتهاست بنابراین طبق آیه ۸۶ سوره‌ی نساء همه‌ی مسلمانان موظفند که سلام را بطور عالیتر و یا لاقبل مساوی جواب گویند. سلام کردن یک نوع اعلام دوستی و صلح و ترک مخاصمه و جنگ محسوب می‌شود. (تفسیر نمونه ج ۴ ص ۴۳)

■ معنی سلام را اینگونه نوشته است: (مصدر) اسم از تسلیم / تحیت / پیروی و اطاعت / و

در آیه (السلام علی من اتبع الهدی) یعنی کسی که پیروی کند خدا با هدایت او را سالم می‌دارد از عذاب و غضبش / سلام از اسماء خدا است زیرا سلامت است خدا از هر نقص و عیب و نابودی / دارالسلام یعنی بهشت (المنجد، ص ۳۴۷)

در مورد معنی سلام آمده است که: سلام مصدر است به معنی بی‌گزند شدن، از عیب یا آفت رهیدن و نجات یافتن، پاکی و رهائی از عیب. (فرهنگ عمید، ص ۱۲۲۰)

■ سلام در قرآن:

در قرآن ۴۲ مرتبه این کلمه در آیات آمده است که معانی گوناگون دارند.

■ سلام یکی از نام‌های خدا:

هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام... (حشر-۲۳)

اوست خدای یکتا که معبودی جز او نیست، فرمانروا، منزّه از هر عیب، سلامت بخش... در این آیه منظور از سلام این است که کسی که با سلام و عاقبت برخوردار می‌کند نه با جنگ و ستیز و یا شر و ضرر و خداوند هیچگونه ضرری به خلق نمی‌زند چون سلام است.

■ سلام از طرف خدا: سلام سخن خداست، سلام قول من ربّ الرحیم (یس-۸۵) در چندین آیه خداوند به پیامبران سلام نموده است:

سلام علی نوح فی العالمین

در میان جهانیان بر نوح سلام باد. (صافات - ۹۷)

سلام علی ابراهیم

درود و سلام بر ابراهیم (صافات - ۹۰۱)

سلام علی موسی و هارون

درود و سلام بر موسی و هارون (صافات - ۰۲۱)

سلام علی آل یاسین

سلام و درود بر آل یاسین (صافات - ۰۳۱)

البته آل یاسین منظور اهل بیت عصمت می‌باشد با توجه به این آیه از سوره یس که می‌فرماید:

یس و القرآن الکریم انک لمن المرسلین

چون یاسین نام پیامبر است پس آل یاسین اهل بیت پیامبر محسوب می‌شود. (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۳)

و سلام علی المرسلین

سلام بر همه فرستادگان (صافات-۱۸۱)

و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا

(و سلامی شایسته بر او باد روزی که متولد شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود (مریم-۱۵))

این سلام خدا به حضرت یحیی (ع) است. از این آیه مشخص می‌شود که سلام و درود فرستادن بر اولیای خدا مخصوص زمان حیات آنان نیست و سلام کردن نشانه‌ی کوچکی نیست زیرا خدای بزرگ هم سلام می‌کند. (تفسیر نور/۲۴)

قل الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطنی الله خیرا ما یشرکون

(نمل ۵۹) بگو سپاس برای خداست و سلام بر آن بندگان که آنان را برگزید.

دستور سلام کردن پیامبر:

و اذا جاءک الذین یؤمنون بأیاتنا فقل سلام علیکم (انعام - ۵۴)

و هرگاه کسانی که به ما ایمان دارند نزد تو آیند، پس بگو سلام بر شما!

■ سلام فرشتگان:

سلام علیکم بما صبرتم فنعیم عقبی الدار
(رعد-۲۴) فرشتگان هنگام دیدار بهشتیان به آنان می‌گویند، بخاطر استقامتی که کردید درود بر شما پس چه نیکوست سرای آخرت.

«در دنیا هنگام قبض روح، ملائکه به مؤمن سلام می‌کنند و تسکین و آرامش به مختصر می‌دهند و تمام غم‌ها و عقده‌ها را از دل مضطرب که دیگر راه به جایی ندارد و در سكرات موت قرار گرفته است و هول و هراس این مسافرت در وجودش سنگینی می‌کند و امیدش از همه جا قطع شده است می‌زدایند و به او آرامش می‌دهند (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۶)»

قال لهم خزنتها سلام علیکم طبتم فاستلواها خالدين

(زمر-۲۳) سنگپایان بهشت می‌گویند، سلام بر شما پاک و پسنیدیده بودید، پس داخل شوید در حالی که جاودانه خواهید بود.

«انسانهای با اعمال صالح در دنیا شهرشان طیب و البلد الطیب مسکن پاکیزه، روزیشان از طیبات، گفتارشان پاک و تابناک، خوراک حلال و طیب و از خدا نسل و ذریه طیب نیز درخواست می‌کنند و سرانجام سرای طیب و طاهر را نصیب خود می‌کنند که با سلام و تحیت فرشتگان بر آن وارد می‌شوند و زندگی زیبا و جاودان خویش را آغاز می‌نمایند (لقمانی، ۱۳۸۵، ص ۸۴)»

الذین تتوفاهم الملائکه طیبین یقولون سلام علیکم استلوا الجنة بما كنتم تعملون (نحل-۲۲)

به آنانکه پاک کنند فرشتگانی که جانشان را می‌ستانند می‌گویند، سلام بر شما به پادشاه آنچه انجام دادید به بهشت داخل شوید (در این آیه اشاره به این دارد که ملائکه به اذن خدا و در طول فعالیت خدا جانها را می‌گیرند و به انسانهای پاک سلام می‌کنند و مژده بهشت می‌دهند) (صادقی، ۱۳۸۵، ص ۹۶)

از این آیه معلوم می‌شود که سلام کردن شعار آسمانی است و در سلام دعا، سلامتی و امنیت وجود دارد. (تفسیر نور/۲۴)

■ سلام اهل بهشت به یکدیگر:

تحیتهم فیها سلام ..

در قیامت به هر سو بنگری سلام است (و بهشتیان اهل صفا و صمیمیت و سلام‌اند نه نزاع و قهر)

(ابراهیم-۲۳)

تحیتهم یوم یلقونه سلام.. تحیه آنان در روزی که خدا را ملاقات می‌کنند، سلام است. (سلام درود بهشتی و بهشتیان است. تفسیر نور) (احزاب-۳۴)

..و یادوا اصحاب الجنة ان سلام علیکم

و ندا می‌دهند اصحاب بهشت که سلام بر شما باد (اعراف/۶۴)

اولانکه یجزون العرفه بما صبروا و یلقون فیها تحیه و سلاما

آنان (بندگان رحمت) به خاطر آنکه صبر کردند غرفه‌های بهشتی داده می‌شوند و در آنجا با تحیت و سلام گرم روبرو خواهند شد. (فرقان/۷۵)

سلام در این آیه مراد هر چیزی است که در آن ترس و پرهیز نباشد. (المیزان، ج ۳، ص ۷۸)

دعراهم فیها سبحانک اللهم و تحیتهم فیها سلام.. (یوش/۱۰)

دعا و نیایش آنان در بهشت خدایا تو پاک و منزهی است و درودشان آنجا سلام است. سلام کلام اهل بهشت است و در بهشت، سلام فضای همه جا را پر می‌کند از سوی خدا، از سوی بهشتیان به خدا اواز سوی بهشتیان نسبت به یکدیگر (تفسیر نور/۲۴)

(لا یسمعون فیها لغوا الا سلاما..)

در آنجا سخن بیهوده نمی‌شنوند و گفتارشان جز سلام نیست. (مریم/۶۲)

(فسلام لک من اصحاب الیمین)

پس سلام بر تو از طرف اهل یقین (که همه قرینان تو و رفقای تو هستند) (واقع/۹۱)

(لا یسمعون فیها لغوا و لا تأثیما الا قیلا سلاما سلاما) (واقع/۶۲)

در بهشت نه سخن بیهوده می‌شنوند و نه تهمت گناه، هر چه هست سلام است و سخن سالم بهشت سرای سلام و سلامتی است. (تفسیر نور/۲۴)

■ سلام، نام بهشت:

(لهم دار السلام عند ربهم..)



سرای سلامت نزد پروردگارشان تنها برای آنان است... (انعام/۷۲۱)

پس در بهشت خشونت، رقابت، حسرت، تهمت، حسد، کینه، دروغ، آندوه و هیچگونه مرض و مرگ و فقر راهی ندارد. (تفسیر نور/۴۲)

(وانته يدعوا الي دارالسلام..)

و خداوند مردم را به سرمنزلی سلامت و سعادت (بهشت) می خواند. (یونس/۵۲)

دارالسلام یکی از نامهای بهشت است زیرا آنجا کینه‌ای در دلها نیست تا جنگ و جدال و بهره‌کشی پیش بیاید. سلام نام خداست و دارالسلام یعنی جوار رحمت الهی و جانی که کلام و درودشان سلام است و از خدا هم به آنان سلام می‌شود. سلامتی دنیا گذرا است ولی سلامت آخرت پایدار است. (تفسیر نور/۴۲)

■ سلام در ادیان دیگر:

(انذ دخلوا علیه فقالوا سلاما قال انا منكم و جلون) (حجر/۲۵)

آنگاه که بر او وارد شده و سلام کردند ابراهیم/۴۱: گفت: همانا از شما بیمناکم. (انذ دخلوا علیه فقالوا سلاما قال سلام قوم منكرون) (ناریات/۵۲)

آنگاه که (میهمانان) ابراهیم بر او وارد شدند و سلام گفتند (ابراهیم در پاسخ) گفت: سلام شما را نمی‌شناسم. (من بعد جثاک بآیه من ربک والسلام علی من اتبع الهدی) (طه/۷۴)

البته ما با معجزه‌های از جانب پروردگارت (خطاب به فرعون) به سوی تو آمده‌ایم و درود بر کسی که هدایت را پیروی کند. (و لقد جائت رسلنا ابراهیم بالبیشری قالوا سلاما قال سلام... (هود/۹۶)

همانا فرستادگان ما که بصورت انسان بودند گفتند: به ابراهیم سلام و ابراهیم نیز گفت سلام.

سخن را باید با سلام آغاز کرد. سلام یک شعار آسمانی و شیوه‌ای ملکوتی است. سلام را به نحو بهتر باید جواب داد. (تفسیر نور/۴۲)

(قال سلام علیک ساستغفر لک ربی انه کان بی حنیفا) (مریم/۷۴)

ابراهیم گفت: سلام بر تو به زودی از پروردگارت برای تو آمرزش می‌خواهم زیرا او همواره نسبت به من بسیار مهربان بوده است.

حضرت ابراهیم (ع) در برابر تهنید با سلام و دعا برخوردار می‌کند. (سیدی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰)

(والسلام علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم ابعث حیا) (مریم/۲۳)

حضرت عیسی (ع) به خود سلام می‌کند و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم. در بعضی موارد سلام به خود و تجلیل از خود لازم است. (تفسیر نور/۴۲)

■ سلام به معنی سلامتی:

(قلنا یا نار کونی بردا و سلاما..)

گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش. (انبیاء/۹۶)

(ادخلوها بسلام آمنین...)

با سلامت و امنیت به باغها وارد شوید (خطاب به بهشتیان) (حجر/۶۴)

(قیل یا نوح اهبط بسلام منا و برکات علیک و علی اسم ممن معک) (هود/۸۴)

خطاب شد ای نوح اینک با سلامتی از جانب ما و بر کسانی بر تو و بر تمام امتهایی که با تو هستند فرود آی. (یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام... (مائده/۶۱)

خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راههای سلامت هدایت می‌کند.

«منظور از سُبُل السَّلام در این آیه چاده‌های سلامت یعنی سلامت فرد، سلامت اجتماع، سلامت روح و جان، سلامت خانواده و سلامت اخلاق می‌باشد. (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۲۳)

(سلام می حتی مطلع الفجر)

شب تا طلوع فجر سراسر سلام و درود است. (قدر/۵)

«مراد از سلام در آیه لطف و عنایت ویژه الهی نسبت به بندگان در شب قدر است که سلامت و رحمت و برکت را به دنبال دارد و باب نعمت و عذاب را می‌بندد زیرا کلید و وسوسه شیطان در آن شب مؤثر واقع نشود.» شب قدر، شب سلامت فکر و روح آدمی و تعالی به سوی خداوند سلام است. (تفسیر نور/۲۴) آن شب، که

می‌فرماید: (البخیل من یبخل بالسلام) بخیل کسی است که حتی از سلام کردن بخل ورزد.

فصلنامه قرآن

امام باقر(ع): (إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ أَقْشَاءَ السَّلَامِ) خداوند اقشای سلام را دوست دارد. (منظور از اقشای سلام، سلام کردن به افراد مختلف است.) (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۳)

عن النبی (ص) (انه كان سلیم علی الصغیر والکبیر) از صفات پسندیده‌ی پیامبر اسلام این بود که به تمام مردم از صغیر و کبیر سلام می‌کرد. (علاءالدین، ۱۳۸۵، ص ۸۷)

«انس ابن مالک می‌گوید: رسول اکرم در رهگذری با چند کودک خردسال برخورد نمود، به آنها سلام کرد و طعامشان داد» مردی با امام حسین(ع) برخورد و در اولین کلام از حضرت احوالپرسی کرد و از خداوند برای آن جناب عافیت خواست. آن حضرت در جواب فرمود: سلام قبل از سخن گفتن است خدایت عافیت دهد. بعد فرمود: به کسی اجازه‌ی سخن ندهید تا سلام کند (فرید، ۱۳۶۵، ص ۷۸)

امام حسین(ع): (البخیل من یبخل بالسلام) بخیل کسی است که به سلام کردن بخل ورزد (فرید، ۱۳۶۲، ص ۳۲۲)

امام باقر(ع) می‌فرماید: تواضع این است که به نشستن در آنجا که شائش نیست راضی باشی، و به هر که رسیدی سلام کنی و مجادله نکنی گرچه برحق باشی. (همان، ص ۳۵۴)

امام جعفر صادق(ع): (السلام تطوع والرذ فریضه) سلام کردن مستحب است و جوابش واجب.

امام صادق(ع): (من بدأ بکلام قبل سلام فلا نجیوه) هرکس سلام نکرده سخن گفت، پاسخش ندهید

امام جعفر صادق(ع) می‌فرماید: کمال تحیت برای مقیم، دست دادن، و تمامیت سلام کردن به مسافری که آمده، هم آغوش شدن است. (همان، ص ۳۷۴)

تا سپیده دمان، همه‌ی آفات و لحظات آن، درود است و سلام و رحمت است و سلامت و ایمنی است و فرخندگی (حکیمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵)

□ (ادخلوها بسلام ذلك يوم الخلود) وارد شوید به سلامت به بهشت، این روز برای شما جاودانه است. (ق/۳۴)

■ سلام به معنی وداع و خداحافظی:

سلام در فرهنگ عرب دو موقع دارد ۱- هنگام ورود و ملاقات ۲- هنگام خروج و خداحافظی مثل پایان نماز که می‌گوییم (السلام علیکم ورحمه الله و برکاته)

(فاصفح عنهم و قل سلام فسوف یعلمون)

پس از آنان روی بگردان و بگو بدرود، در آینده خواهید فهمید

(سلام به معنی متارکه و خداحافظی) (زخرف/۸۹)

(و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما..)

و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب می‌سازند به آنها سلام می‌گویند. (فرقان/۶۲)

«در این آیه سلام نشانه‌ی بی‌اعتنایی توأم با بزرگواری است نه ناشی از ضعف»

سلام وداع گفتن است با سخنان بی‌رویه جاهلان، نه سلام تحیت که نشانه‌ی محبت، پیوند و دوستی است و سلامی که نشانه‌ی حلم و بردباری و بزرگواری است. (تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۴۹)

(..سلام علیکم لا یتغی الجاهلین..)

سلام (وداع ما) بر شما باد ما به سراغ جاهلان نمی‌رویم. (قصص/۵۵)

■ سلام در احادیث و روایات:

«در روایات اسلامی تأکید زیادی روی سلام شده است تا آنجا که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده: (من بدأ بالكلام قبل السلام فلا تجیوه) کسی که پیش از سلام آغاز به سخن کند پاسخ او را نگوید.»

از امام صادق(ع) نقل شده که خداوند

■ سلام در زیارات:

آغاز تمام زیارات با سلام است چه رسد به اینکه محل زیارت قبور پیامبر یا یکی از ائمه بزرگوار باشد، چرا که ما عقیده داریم (تسمعون کلامی و تردون سلامی) آنها صدای ما را می شنوند و پاسخ سلام ما را می دهند. «زیارت امام علی (ع) شامل سلامهای خداملائکه، انبیاء، بندگان صالح و جمیع شهدا و صدیقین است به حضرت علی (ع) پس: «سلام خدا برای امام رتبه است و مقام سلام ملائکه هدیه است و حسنه.

سلام زائر اقرار و احترام و تقرب است. زیرا پیامبر نور فرمودند: (ان اولی الناس باله و برسوله من بدأ بالسلام).

واعتلاء نام مقدس الله و افشاء نام رب العالمین در محیط روحانی و منور و تربت پاک امام. پیامبر (ص) فرمودند: (ان السلام اسم من اسماء الله تعالی فاقشویینکم) (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۲)

«در آداب زیارت عاشورا این است که زائر ابتدا زیارت و سلامی و لعنی بر دشمنان ابی عبدالله ولو مختصر بنماید و پس از بجا آوردن دو رکعت نماز و صد تکبیر شروع به خواندن زیارت عاشورا یا صد لعن و صد سلام کند و با دعاء سجده پایان رساند.

امام صادق (ع) به صفوان می فرمایند: بر این زیارت مواظبت کن، و این دعا را بخوان، پس به درستی که من از طرف خدای تعالی برای هر کس که از نزدیک یادور به این زیارت، زیارت کند، و به این دعا، دعا نماید؛ ضمانت می کنم که زیارت او قبول شود، و سعی او با پاداش داده شود، و سلام او به حضرت ابی عبدالله برسد، و مانعی برای او نباشد، و حاجت او از جانب خداوند، هر قدر که بسیار و بزرگ باشد برآورده شود، و از آن محروم نگردد. (فقیه ایمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۰)

پس می بینیم که زیارت عاشورا پس از سلامهای اول دعا در پایان نیز صد سلام دارد. به همین ترتیب دیگر زیارتها نیز شامل سلامهایی به عناوین مختلف هستند و ما از ذکر آنها خودداری می کنیم.

■ سلام در نماز:

همانطور که همه می دانند در سلام پایانی نماز نیز سه سلام است و هر سلام معنی خاصی دارد.

امام صادق (ع) فرموده معنای خواندن سلام در آخر نمازمان یعنی هر کس امر خداوند و سنت نبی (ص) را خالصانه انجام دهد، آن شخص در دنیا و آخرت از بدیها و شرها سالم و ایمن می ماند. (کاظمی، ص ۱۹۹)

■ آداب سلام:

«قرآن در مورد آداب سلام کردن در سوره نساء آیه ۸۶ می فرماید:

«هرگاه شما را سلام دادند شما نیز باید با سلامی مانند آن یا بهتر از آن پاسخ دهید که خداوند به حساب همه چیز خواهد رسید.» همچنین در سوره ی نور آیه ۲۴ می فرماید: «هرگاه بخواهید به خانه ای داخل شوید نخست سلام کنید که این سلام برکتی نیکو از جانب خداوند است...» (جعفری، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲) «در احادیث، آداب فراوانی درباره ی سلام وارد شده، از جمله اینکه:

«سلام تنها مخصوص کسانی نیست که انسان با آنها آشنایی خاصی دارد؛ چنانکه در حدیثی از پیامبر (ص) سؤال شد، ای خیر العمل؟ کدام عمل بهتر است فرمود، (تطعم الطعام و تقرأ السلام علی

من عرفت و من لم تعرف) اطعام طعام کن و سلام به کسانی که می شناسی و نمی شناسی بنما. (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۶) دیگر آنکه از علامات انسانهای مؤمن سبقت در سلام است.

«امام حسن (ع) کریم اهل بیت می فرماید: من سه چیز را دوست دارم، (اطعام الطعام، افشاء السلام و صلوه اللیل و الناس نیام) و هیچکس نتوانست بر این امام نور در سلام سبقت بگیرد. (باقری، ۱۳۸۲، ص ۷۱)

■ نقش تربیتی سلام:

شیعه معتقد است که احکام اسلام از روی گرایش به مصالح ودوری از مفاسد وضع شده است، لذا امری که واجب یا مستحب در اسلام است، دارای مصلحتی

ذاتی است. پس سلام نیز دارای مصالح تربیتی است از جمله اینکه:

دین اسلام یک دین اجتماعی است، و سلام کردن و برخورد خوب یکی از درهای مهم در برقراری روابط اجتماعی است که این همه مورد تأکید دین مبین اسلام است. این کلمه (سلام) که در آن معنی و مفهوم سلامتی و ایمنی نهفته، به مخاطب اطمینان می‌دهد که طرف مقابل قصد صحیحی در راه آغاز رابطه را با او در نظر گرفته است. در این صورت مخاطب نیز این پیام را دریافت نموده و در صورت تمایل دو طرف، رابطه‌ی اجتماعی جدید و کوچکی تشکیل می‌شود، ضمن اینکه سلام، روح تعاون و همکاری و همدلی را بین مسلمانان افزایش می‌دهد و همچون شعار و علامتی جهت شناخت جوامع اسلامی از دیگر جوامع می‌شود.

یکی دیگر از محاسن سلام ایجاد رابطه‌ی دوستی و محبت بین مسلمانان می‌باشد. اسلام تأکید زیادی بر روی حب و بغض دارد و از صفات مؤمنین، حب به مؤمن و بغض نسبت به دشمنان اسلام در قرآن (سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۹۲) ذکر شده است:

(محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم)

دین اسلام سفارش زیادی نسبت به گسترش محبت بین مؤمنین نموده است و دستورات زیادی در این زمینه قرار داده است. به عنوان نمونه مصافحه کردن، به دیدار یکدیگر رفتن و صلح و صلح از آن دسته‌اند که همگی اینها عامل ازدیاد پیوند و محبت در جامعه اسلامی است. و سلام کردن نیز چون عامل شروع و ایجاد اینگونه روابط است مورد توجه اسلام قرار گرفته، زیرا بشاشت و برخورد خوب عامل جلب دوستی و محبت است. و به تجربه ثابت شده است که افراد عبوس و کسانی که از سلام خودداری می‌ورزند، از جایگاه خوبی در قلوب مردم برخوردار نیستند، و برعکس افراد خوشرو و کسانی که ابتدا به سلام می‌نمایند، محبوب دل‌های مردمند.

سلام گفتن یعنی دیدن دیگری، یعنی شناختن او به عنوان یک پدیده، یعنی برای او واقع شدن و آماده بودن برای او تا به شما واقع گردد. (برن، ۱۳۷۰، ص ۸)

نتیجه:

آنچه در این مقاله آمده، اهمیت این سنت شریف سلام و لزوم اهمیت دادن به آن و بکار بستن آن، بود. مسئله‌ی سلام که در اسلام سفارش‌های زیادی شده

حتی در قرآن امر به سلام کردن و ازدیاد تحیت شده و ملاحظه شد که کلمه‌ی سلام را خدا، پیامبران، فرشتگان، انسانهای مؤمن، در جاهای مختلف بکار برده‌اند و بعضی از علماء عقیده دارند که شاید سلام اسم اعظم الهی باشد که در نماز هم وجوب جواب می‌باشد. اما با کمال تأسف در جامعه‌ی ما اهتمام و توجه به این سنت و بسیاری دیگر از سنن اسلامی کم‌رنگ گردیده است. و بخش مهمی از جامعه از بعضی کلمات نامناسب و بعضاً غربی استفاده می‌نمایند، نه تنها در برخورد حضوری، بلکه در مکالمات تلفنی و مکاتبات نیز کلمات دیگری جایگزین گردیده‌اند.

این تغییر رویه در جامعه‌ی ما به علل متعددی صورت گرفته است:

اولاً: تحس تقلید از آداب کشورهای اروپایی و غربی است که عده‌ای آن را فرهنگ برتر و پیشرو در جهان می‌دانند.

ثانیاً: استفاده مطبوعات و سایر رسانه‌ها از لغات بیگانه دیگر که سبب می‌شود، به تدریج اقشار جامعه به سمت آنها کشیده شوند.

ثالثاً: عدم آموزش صحیح سنن و ارزش‌های اسلامی توسط خانواده و مدارس و عدم تأکید بر حفظ سنن پسندیده اسلامی.

رابعاً: ضعف تبلیغات و عدم معرفی و تبیین ارزشهای اسلامی در جامعه.

... و چه باید کرد؟

در مورد گروه اول؛ کار قدری مشکل است و به دشواری می‌توان آنها را به احیای این سنت اسلامی متقاعد نمود، مگر اینکه اساس فکری و عقیدتی آنها دگرگون گردد؛ اما در مورد کسانی که به دلایل دیگر ذکر شده از رعایت این ادب اسلامی غافلند، می‌توان با آموزش و تبلیغات صحیح و الگودهی مناسب، اهمیت

مسئله را برای آنها روشن ساخت و پاداش معنوی و اخروی آن را گوشزد نمود. روحانیون در برنامه‌های تبلیغی خود و فرهنگیان در کلاس‌های درسی، به احیای این امر پسندیده همت گمارند تا انشاء الله این سنت فراگیر شده و مردم در انجام آن از یکدیگر سبقت بگیرند، و هنگامی که یک بیگانه قدم به مملکت اسلام بگذارد، فضای عطرآگین سلام از همه جای آن ظاهر شود و در دنیا این سنت به عنوان یکی از نشانه‌های مسلمانان مطرح شود.

منابع و مأخذ:

- قرآن
امام جعفر صادق (ع)، مصباح الشریعه، زین العابدین کاظمی (۱۳۶۱)، تهران، حجر.
پرن، اربک بعد از سلام چه می‌گویید؟ مهدی قزچه داغی، (۱۳۷۰)، تهران، البرز.
باقری، عبدالرسول، (۱۳۸۵)، گنجینه‌ی معارف، اول، اصفهان، نامی.
جعفری، حمید، (۱۳۸۴)، احکام قرآن، اول، اصفهان، نورین سیاهان.
حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت (ع) صاحبان شب قدر، فصلنامه‌ی کوثر، سال ششم.
سیدی، سید حسن، (۱۳۷۷)، سیری در قرآن کریم، اول، مشهد، استان قدس رضوی.
صادقی، حسن، (۱۳۸۵)، تفسیر موضوعی و دلایل امکان و ضرورت آن، مجله‌ی معرفت، سال یازدهم.
طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، محمداقتر موسوی، (۱۳۵۶)، تهران، محمدی.
عبدالباقی، محمد فؤاد، (۱۳۷۲)، المعجم المفهرس، اول، تهران، اسلامی.
علاءالدین، محمدرضا، (۱۳۸۵)، خلق قرآنی پیامبر اسلام، فصلنامه‌ی کوثر، سال ششم.
عمید حسن، (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی عمید بیستم، تهران، امیر کبیر.
فرید مرتضی، (۱۳۶۲)، اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت، اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
فرید مرتضی، (۱۳۸۵)، الحدیث، اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
فقیه ایمانی، میرزا محمدباقر، (۱۳۸۳)، شیوه‌های یاری قائم آل محمد علیهم‌السلام، چهارم، قم، عطر عترت.
قرآنی، محسن، تفسیر نوره، لقمائی، احمد (۱۳۸۵).
بهترین آرزوهای زندگی، دوم، قم، بهشت بینش.
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۲)، تفسیر نمونه، شانزدهم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
معلوف، لوئیس، (۱۳۶۲)، المتجد فی اللغه و الاعلام، تهران، دیبا.